



Translate Luna
Clean Luna
Type Aynaz



[T.me/IriSekai](https://t.me/IriSekai)



[instagram.com/IrisSekai](https://www.instagram.com/IrisSekai)

اینطوری نیست که من به مردا
علاقه مند باشم، فقط برام مهم
نیست اگه تو مرد باشی!



آه... بلی... البته...

احساس کردم چیزی درونم
برانگیخته شد.

من می‌خوام کنار ادوارد بی‌ریا
و صداق باشم.



می‌خوام همه چیزو
دربارت بدونم.

Ep 52





من الان سي سالمه.



بيوووووو~

با من از اين شوخيا
نكن.

دادم داشت ميدادم!
(دارم راست مي گم!)

او كي، اين درسته كه بدنم
مال يه نوجوونه!



من می‌خواستم که ادوارد بیشتر
بدونه، نه درباره یه گرگتر مجازی
به اسم "رینو"...

ولی من روح من ۳۰ ساله!!



... می‌خوام درباره من واقعی بدونه، "مارینا".

ادوارد، راستشو بخوای،
من مال این دنی-



... اون چیه؟



هان...؟

شنیدی؟ اون بیمار بلند شده.

آه، همونی که یه کمای مرموز داشت...

انگار معروفه.

اون بازی واقعیت مجازی که این روزا خیلی خیلی معروف شده رومی شناسی؟ اون خانومه کسیه که اونو ساخته...

BURST

مارینا بیدار شو؟!



زمان زیادی که
ندیدمتون...



ما فکر می کردیم تو
دیگه بیدار نمی شی.



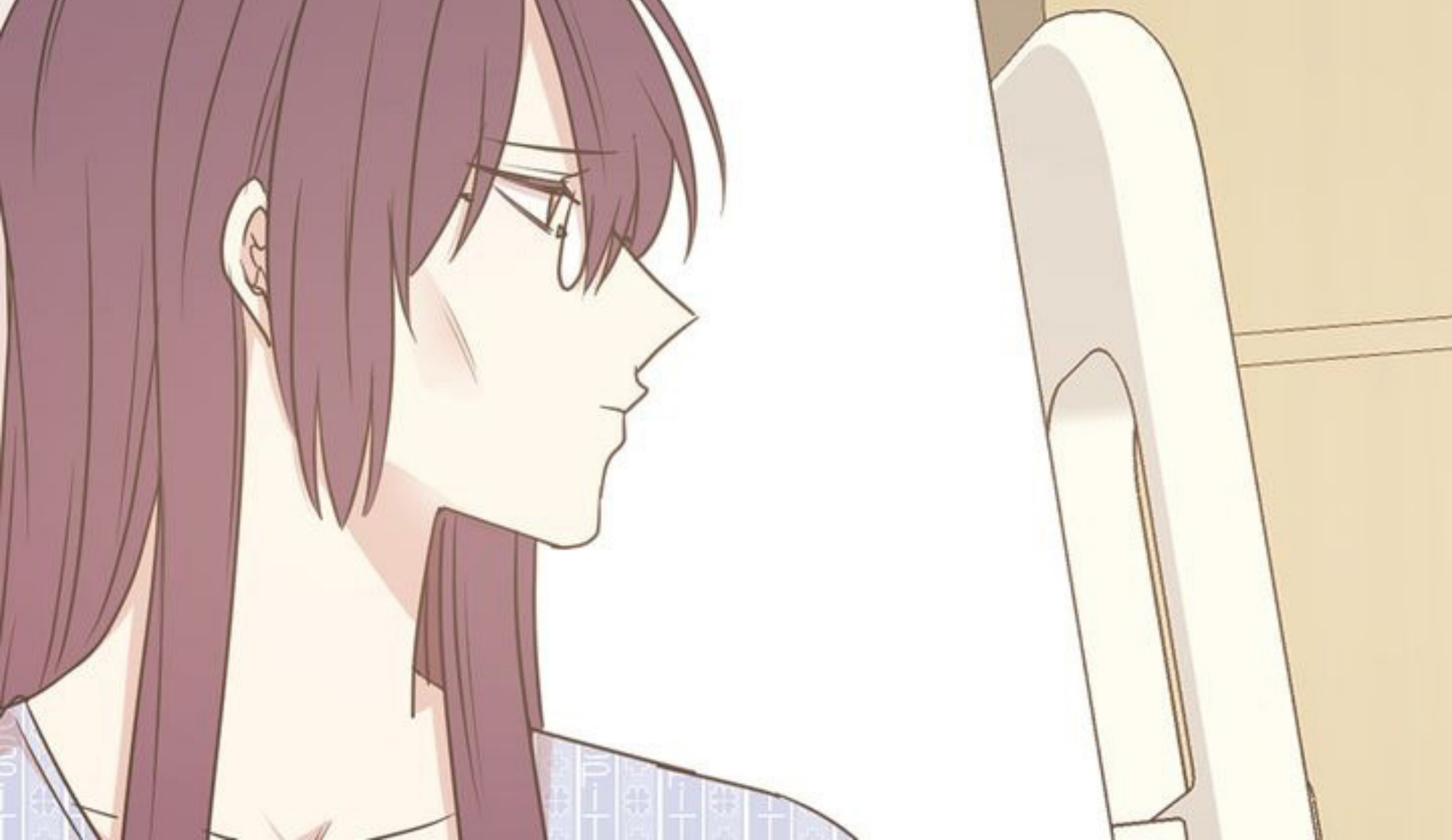
**چند روزی از وقتی که بیدار
شدم گذشته.**

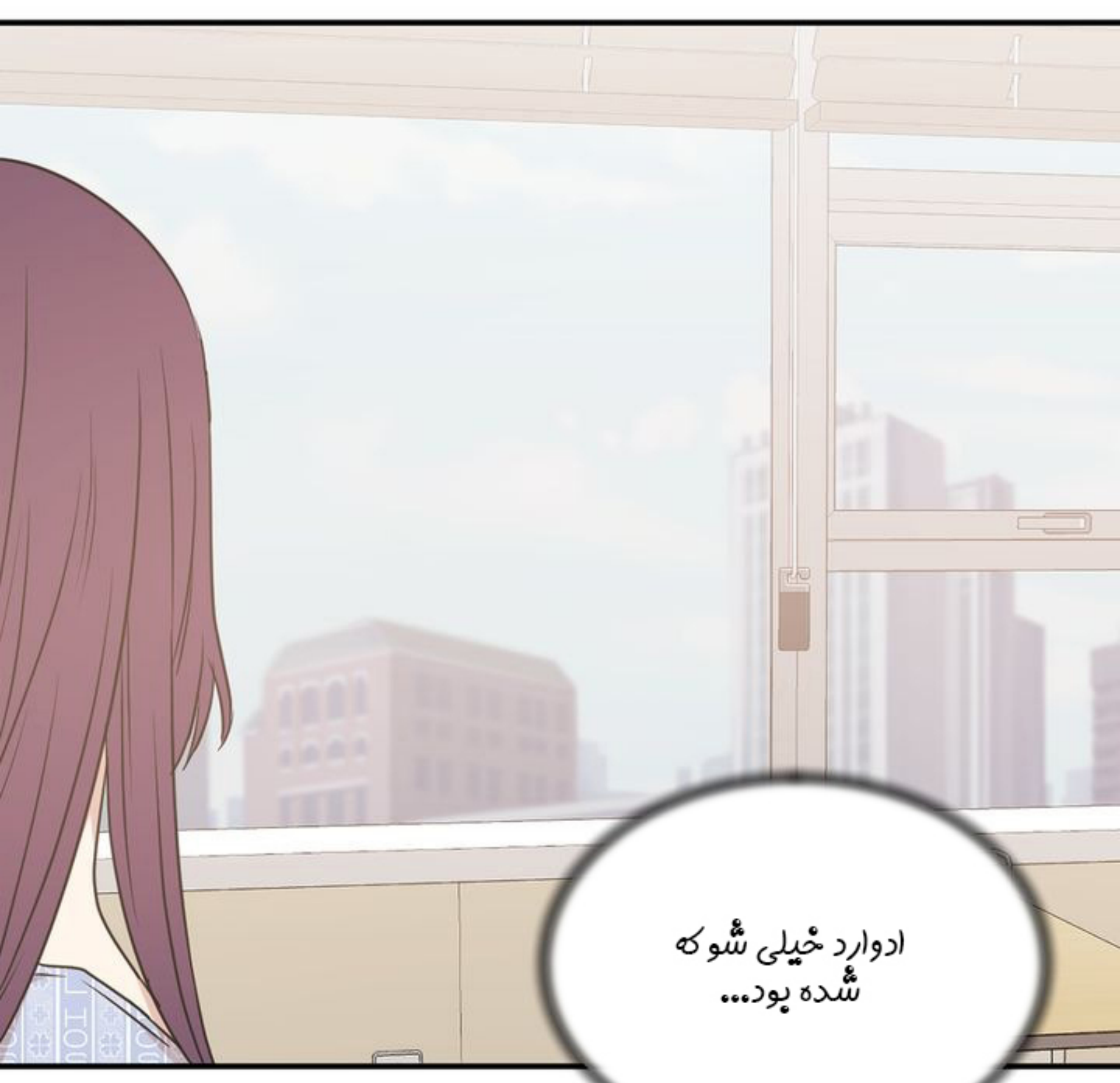
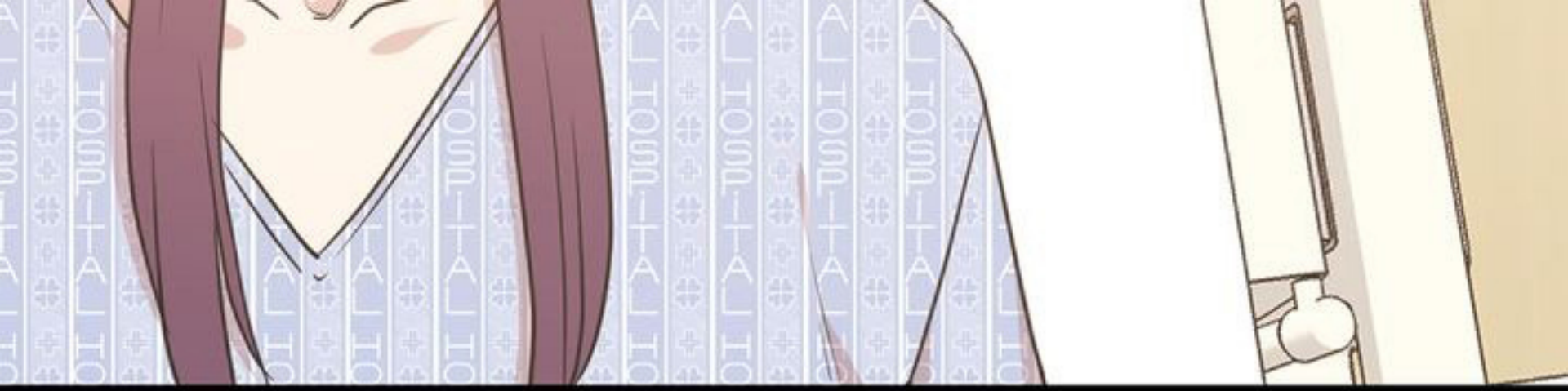


خوشحالم که دوباره بقیه
رو می بینم.



ولی من متوجه نمی شم. چطوری
به واقعیت برگشتم؟





ادوارد خیلی شوکه
شده بود...



تو x ماه x درحالی که
ناهشیار بودی به بیمارستان
آورده شدی.

چهار ماه از اون زمان
گذشته.



روزی که وارد پاری شدم
x ماه x بود.

پس روزی که آنلاین
شدم رفتم توی کما.

بیا هر چیزی رو که فهمیدیم

جمع بندی کنیم.

اولاً، بازه زمانی بین دنیای واقعی
و دنیای مجازی یکسانه.



حدوداً به فصل رو توی قلعه ادوارد
گذروندم، و به همون میزان (یعنی زمان
سپری شده...)

کنسول VRWMM توی کل کشور
بین گیمرها به زلزله عظیم به
حساب میاد!



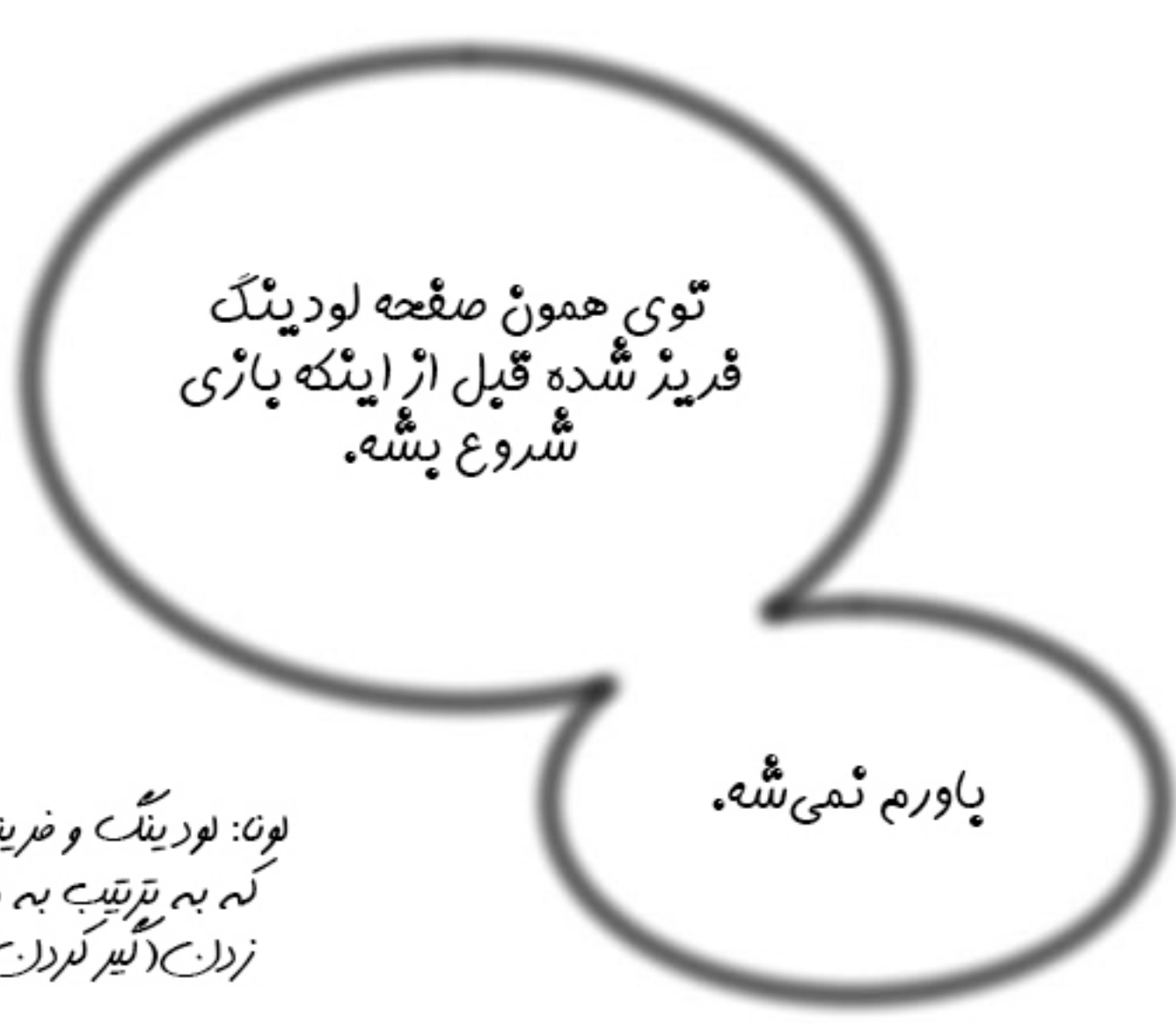
ما به قرارداد کلفت با اروپایا بستیم!

هممون قراره خرپول شیم!~



ولی الان که هممون داریم
خوش میگذرونیم، کاپیتانمون
مارینا اینجا نیست... هق!

**دوم، VRWMM عمومی شد، اما هیچ گزارشی
درباره کما مثل مال من وجود ندارد.**

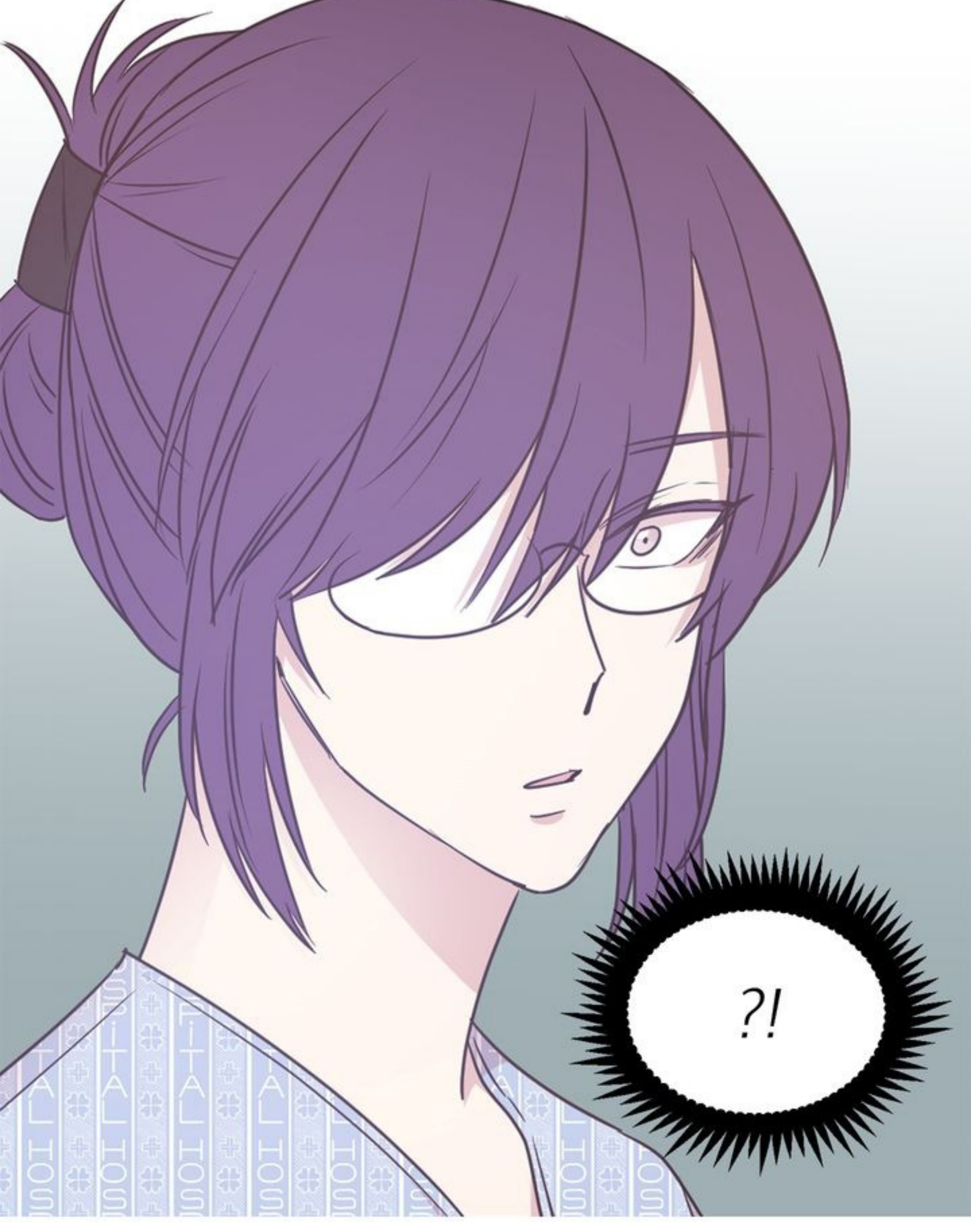
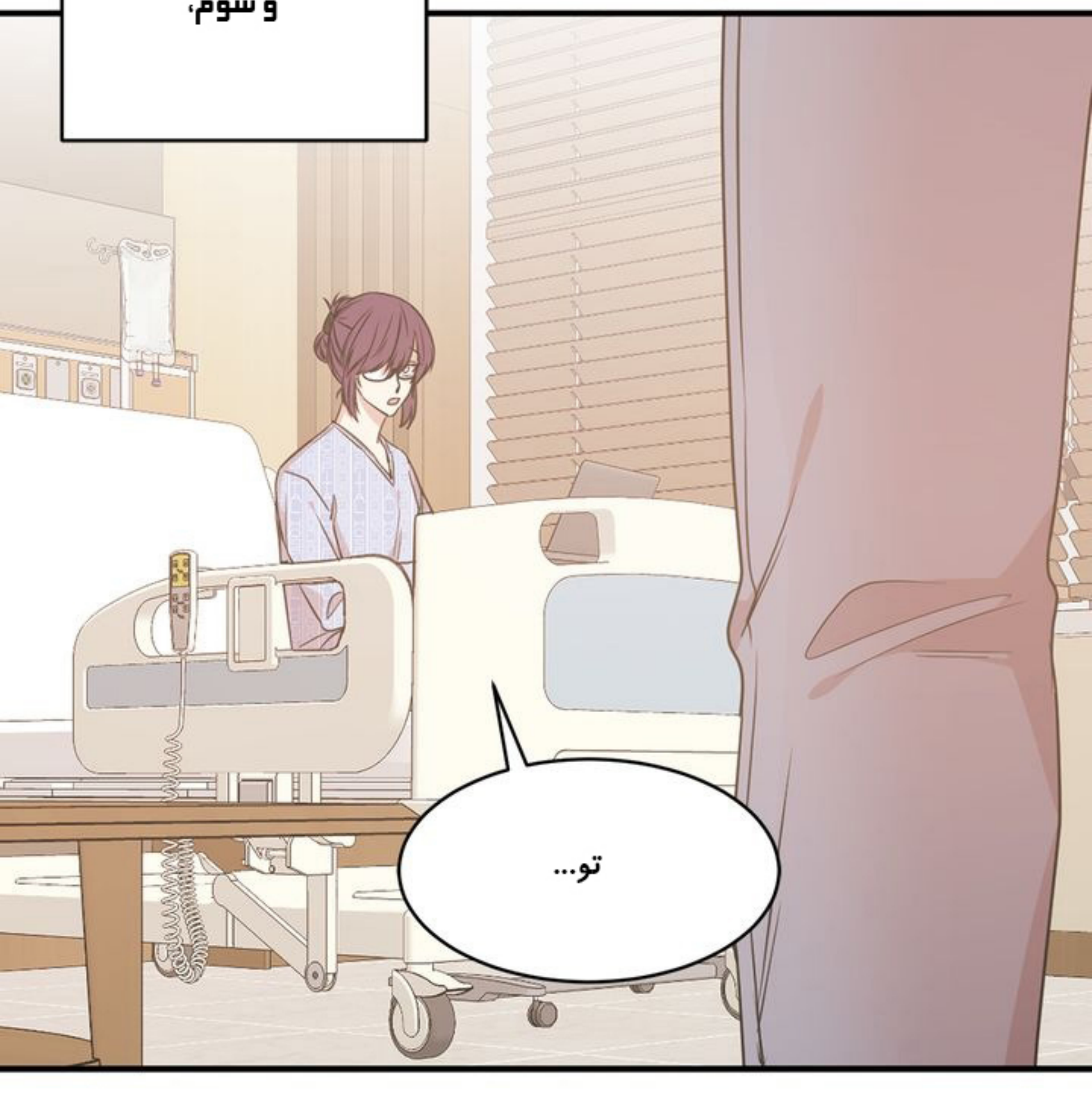


لونا: لودینگ و فریز از اصطلاحات کامپیوتریه
که به ترتیب به معنی بارگزاری و یخ
زدن (لیر کردن خودمون) هستن.





و سوم،



اسم این شتربرقی مارو عه.

اونقدرام که انتظار داشتم
داغون به نظر نمیای.

اون داداش کوچیکترمه،
و یه سال اختلاف سنی داریم.

من دکترامو توی دو سال تموم کردم،
ولی این بچه شیش سال مدرسه رو
تجدید آورده.

اینو تو بوق و کرنا نکن
چون ننت.

لوت: آله جاک ماریه بودیم
این کرسی بود که هممون با
داداشمون انجام می‌دادیم :/

فقط با نگاه کردن به صورتش
می‌توین ایلو بکین، من از اون به عنوان یه
مدل برای برن استفاده کردم.

خب دیگه، الان منو
"برن" صدا کردی؟

Huh?

همون یارویی که روش
بالا آوردن، از صندلیش پرت
شد تو آسمون، و ادوارد بهش
اسپنک زد؟

برن، کرکتر امپراطور؟



بلی بلی. خیلی از دستش عاصی
شدم، اگه اینکه اون خیلی شبیه
توه رو در نظر بگیریم، همه این
بلاها رو سرش اوردم...





To Be Continued



Story : KIM SUO
Art : jaradog

©DAONCOMICS



از شما برای خوندن کارمون
ممنونيم. لطفا **کپی نکنين** و بدون
ذکر منبع کار مارو جای نذارين.
شما ميتونين با جوين شدن تو چنل
تلگرامون از ما **حمایت** کنيد و کارهاي
جذاب ديکمون رو هم بخونين.

@IriSekai

